

به مسیر حضرت اباعبدالله^(ع) ایمان دارم

علی ملاقلی‌پور: هنر من چیست؟ من کارگردان هستم و نهایتاً در کنار آن، کار نویسندگی هم انجام می‌دهم. من اول از همه باید از زاویه کار خودم نگاه کنم. بالاخره این اثر بودجه مردم است و قرار است که وقت مردم را بگیرد و باید با یک جماعت بیشتر و زیادتری گره بخورد و آن نمی‌تواند فارغ از قصه باشد. این نکته مهم بود که اگر ناهمگنی را ساختم، به دنبال این بود که کار اثرگذاری باشد. من فکر می‌کنم از خود اثر مشخص است که برای دل خودم آن را ساختم. اگر به دنبال پول بودم، سریال می‌ساختم.

۲۸

نگاهی به اتحاد جهان اسلام در حوزه ورزش برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین

ورزشکاران رژیم صهیونیستی
بازنده و منزوی

ورزشکاران ایرانی پرچمدار مبارزه با رژیم اشغالگر

۲۱

چرا مرمت مسجد امام، خارج از ضوابط قانونی
زیر نظر دفتر فنی میراث فرهنگی اصفهان انجام گرفت؟۱۱ سال بی خبری
از یک مرمت مخرب

۱۷

از ماجرای نجات جان مادر و ۳ فرزندش دریا سوچ
تا ادامه جست‌وجوها برای یافتن مفقودانچراغ خطر سیل
هنوز زرد است

۱۶

بررسی انتقال سهم ارز دارو به سازمان های بیمه گرد در صحن علنی مجلس شورای اسلامی

دارویار؛ کانون همراهی نمایندگان بانظام سلامت

دکتر عین‌اللهی، نمایندگان مردم ضمن مثبت دانستن این طرح، تذکرانی هم بابت تأمین منابع مالی پایدار برای اجرای بهتر این طرح از سوی بخش‌های اقتصادی دولت دادند.

۲۲

گسترش آبله میمون
در ۹۷ کشور جهانآماده باش ایران
برای مقابله با آبله میمون

۲۲

مهندسی تاریخی آب با ساخت ۵ هزار «آب‌انبار» جنوب فارس را
نجات دادآب‌انبارهایی که نگذاشتند
باران سیل شود

۱۷

گزارش «ایران» از وضعیت تحصیلی
در مناطق محروم با نگاهی به
محرومیت‌زدایی از شهرستان کوهرنگ

شوق تحصیل

۱۸

روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
اعلام کردفوت ۷۴ هموطن دیگر
بر اثر کرونا

۲۲

بارقه امید در دل کارگران هیکوپس از سفر استانی رئیس جمهور
به استان مرکزیبخشی از ظرفیت تولید هیکو
احیا شد

۱۶



پروژه گلی زاده / ایران



معمومه فریبرز / ایران

تصویر مرحوم همت علی عبدالله زاده مداح هیأت روشندان اهر

هیأت عزاداران ناینبای ارسباران هر ساله در اهر برپا می شود

چراغ دیده من کو

| یوسف حیدری
گزارش نویسنده

دست‌ها را به طناب آبی گره می‌زنند و به نوحه‌ای که مداح هیأت می‌خواند با جان و دل گوش می‌کنند. اهالی شهرستان اهر تاسوعای هر سال منتظرشان هستند؛ روشندان‌نی که به شوق عزاداری سالار شهیدان به شهرشان می‌آیند و با چشم دل اشک می‌ریزند یکدیگر را خوب می‌شناسند. از شهرها و روستاهای مختلف استان آذربایجان شرقی می‌آیند و هیأت عزاداران روشندان را در اهر برپا می‌کنند. می‌گویند تمام سال را برای چنین روزی لحظه شماری می‌کنند. مشهدی غلامعلی جلوتر از همه سر طناب را به دست می‌گیرد و بقیه پشت سر او می‌ایستند. از پیرمرد ۸۰ ساله تا نوجوان ۱۴ ساله به ترتیب سن و سال ردیف می‌شوند و با دستی طناب را می‌گیرند و با دست دیگر سپینه می‌زنند

و مردم کوچه و خیابان هیأت را همراهی می‌کنند. می‌گویند هیأت روشندان بی‌ریاترین هیأت عزاداری است. پرچم هیأت که وارد خیابان اصلی می‌شود مردم از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند. یک نفر با سینی شربت و دیگری با جعبه یک. پسر جوانی ظرف اسفند را بالا می‌گیرد و یکی از همسایه گوسفند را حاج اکبر جعفری هم کنار دسته عزاداری برای قربانی جلوی هیأت آماده می‌کند. چند باری هم نایبانیان را به زیارت امام رضا(ع) فرستاده و می‌گوید هرچه نایبانیان است.

«همه چیز از زیارت ضریح امام هشتم (ع) شروع شد. بعد از ازدواج با

همسرم برای زیارت به مشهد رفتم و همان جا مسیر زندگی‌ام کنار بارگاه نورانی امام رضا (ع) تغییر کرد.» این خیر اهری و بانی دسته روشندان می‌گوید: «در حرم متوجه چند زائر نایبنا شدم که از شیراز برای زیارت آمده بودند. شوق آنها برای زیارت و درد دل‌شان با امام رضا(ع) حالم را دگرگون کرد. می‌گفتند از خدا نمی‌خواهیم به ما بینایی بدهد. آرزوی ما همین زیارت امام هشتم (ع) بود که برآورده شد. اگر قسمت شود کربلا هم برویم دیگر هیچ آرزویی نداریم. همان جا عهد کردم و از خدا خواستم تا زندگی سالمی به من بدهد و خانواده‌ام را در پناه خودش نگه دارد و شرایطی فراهم کند تا بتوانم به نایبانیان خدمت کنم. تصمیم گرفتم برای نایبانیان هیأت عزاداری برپا کنم. از امام رضا (ع) خواستم کمک کند هر سال تعدادی از نایبانیان را

در حرم متوجه چند زائر نایبنا شدم که از شیراز برای زیارت آمده بودند. شوق آنها برای زیارت و درد دل‌شان با امام رضا(ع) حالم را دگرگون کرد. می‌گفتند از خدا نمی‌خواهیم به ما بینایی بدهد. آرزوی ما همین زیارت امام هشتم (ع) بود که برآورده شد. اگر قسمت شود کربلا هم برویم دیگر هیچ آرزویی نداریم. همان جا عهد کردم و از خدا خواستم تا زندگی سالمی به من بدهد و خانواده‌ام را در پناه خودش نگه دارد و شرایطی فراهم کند تا بتوانم به نایبانیان خدمت و برای‌شان هیأت برپا کنم

برای زیارت به مشهد بی‌اورم. چند روز بعد مادرم گفت تو از امام رضا(ع) چیزی خواسته‌ای؟ با تعجب نگاهش کردم. گفت خواب عجیبی دیدم، اگر قولی داده‌ای باید به قولت عمل کنی. همان جا تصمیم گرفتم زودتر هیأت روشندان را تشکیل بدهم. با یکی از دوستانم صحبت کردم و با بهزیستی شهرهای هریس، اهر، بستان آباد، کلیبر، خداآفرین و قره داغ هماهنگ کردیم و از آنها خواستیم نایبانیان تحت پوشش خود را به ما معرفی کنند. به این ترتیب سال ۸۹ خیمه عزاداری هیأت روشندان برپا شد. بعد گفتم می‌خواهم آنها را به زیارت امام رضا (ع) ببریم. صدای خوشحالی و اشک‌هایی که پشت تلفن می‌ریختند هنوز در گوشم هست. با کمک یکی از دوستان تعدادی از این نایبانیان را به مشهد بردیم و سال‌های بعد هم این سفر زیارتی تکرار شد.

حاج اکبر درباره تاسوعای سال ۸۹ و حضور گسترده مردم و همراهی نایبانیان از مسجد امام رضا (ع) اهر تا مسجد جامع این شهر می‌گوید: «وقتی خبر تشکیل هیأت عزاداران ثامن الائمه ویژه روشندان به گوش نایبانیان رسید همه برای حضور در هیأت تماس می‌گرفتند و می‌خواستند آنها هم در این هیأت برای امام حسین (ع) عزاداری کنند. روز تاسوعا با همه آنها هماهنگ کردیم و با خودروهایی که در نظر گرفته بودیم ۱۵۰ نایبانی عزیز از شهرستان‌های مختلف استان را به اهر آوردیم. بعد از صرف صبحانه در مسجد امام رضا(ع) دسته عزاداری راه افتاد.

دو طناب بزرگ به دست‌شان دادیم و هر کدام با گرفتن طناب منظم پشت سر هم ایستادند. شور و حال عجیبی بود. مرحوم همت علی عبدالله زاده نوحه خوانی می‌کرد و آنها به سینه می‌زدند. از خیابان اصلی که به طرف مسجد جامع حرکت کردیم مردم شهر هم جمع شدند و عزاداران هیأت را همراهی کردند. اشک از چشم همه سرازیر شد. می‌گفتند این بی‌ریاترین عزاداری است که تا امروز می‌بینند. ظهر وقتی به مسجد جامع رسیدیم بعد از اقامه نماز کمک‌های نقدی و غیرنقدی را به دست نایبانیان دادیم و با همان خودروهایی که آمده بودند به شهر و روستای‌شان برگشتند.

حالا هم هر سال بی‌صرانه برای تاسوعا و آمدن به اهر و به راه انداختن دسته عزاداری لحظه شماری می‌کنند،

البته در این دو سال به دلیل شیوع کرونا برای حفظ سلامتی این عزیزان هیأت برگزار نشد ولی با همسرم به خانه همه آنها رفتم و سرکشی کردیم. غلامرضا بینایی یکی از این نایبانیانی بود که هر سال با عشق برای عزاداری به اهر می‌آمد اما به رحمت خدا رفت. وقتی برای سرکشی به خانه‌اش رفتم متوجه شدیم سه دختر او تحصیل کرده و بیکار هستند. کاش مسئولان شهرستان اهر شرایطی فراهم می‌کردند تا دختران این نایبانی عزیز بتوانند مشغول کار شوند.» اگرچه هر سال یک روز همدیگر را می‌بینند اما انگار سال‌هاست که یکدیگر را می‌شناسند. هر بار مداح هیأت نام حسین (ع) را فریاد می‌زند با همه وجود اشک می‌ریزند. پرویز گلی‌پور یکی از خادمان هیأت روشندان می‌گوید خدمت به این نایبانیان موهبتی است که خدا به من داده است: «وقتی آقای جعفری پیشنهاد تشکیل هیأت روشندان را داد با دو نفر از خیران دست به کار شدیم و هیأت را برپا کردیم. در این مدت سعی کردیم کنار هیأت عزاداری و سفر به مشهد از این نایبانیان حمایت مالی کنیم. بسیاری از آنها تحت پوشش بهزیستی هستند و با

مشکلات زیادی زندگی می‌کنند. با این همه آقای جعفری در این سال‌ها اجازه نداده است مردم در مسیر عزاداری به نایبانیان کمک مالی کنند. او معتمد است این عزاداران کرامت دارند و کدا نیستند. دعا و آرزوی خیلی از این نایبانیان زیارت کربلا است. خیلی دوست داریم بتوانیم شرایطی فراهم کنیم تا آنها به زیارت کربلا بروند. امیدوارم در این عزیزان را به آرزوی‌شان برسانیم.» مشهدی عبدالله این روزها دلش برای دسته عزاداری و شنیدن صدای دوستانش تنگ شده است. با زبان شیرین آذری می‌گوید: «کرونا باعث شد خیلی‌ها شرایط ما نایبانیان را درک کنند، اگر مردم دوسال خانه نشین شدند ما سال‌هاست که خانه‌نشین هستیم. من در روستای زیربان منطقه کلیبر زندگی می‌کنم. ۱۰ نایبنا در این منطقه تحت پوشش بهزیستی هستند. وقتی بهزیستی به ما خبر داد که هیأت نایبانیان در اهر برپا شده است از خوشحالی سراز پا نمی‌شناختیم. ما در همه آن لحظات خودمان را در صحن کربلا تصور می‌کنیم و با همه وجود عزاداری می‌کنیم.»